

اقتصاد جهان: تورم و رکود باز می‌گردد؟

طی سال ۱۳۷۳ اقتصاد جهان تحولات خاصی را شاهد بود.

در این سال تلاشهای چهل و چهار ساله برای عقد یک پیمان تجاری جهانی ظاهراً به نتیجه رسید و مقامات تجاری ۱۲۳ کشور توافقنامه نهائی مربوط به این پیمان را در مراکش امضاء کردند.

چنانچه به نظر می‌رسد که با امضای پیمان گات که بعداً به سازمان تجارت جهانی (WTO) تغییر نام داد تلاشهای آمریکا برای انتظام بخشیدن به تجارت جهانی به ثمر رسیده است، اما هنوز مرکب امضای وزیران کشورها بر زیر توافقنامه مراکش خشک نشده بود که یک سلسله سازمانهای همکاریهای اقتصادی منطقه‌ای شروع به شکل‌گیری کرد. یکی از این سازمانها پیمان نفتا (مرکب از ایالات متحده آمریکا، کانادا و مکزیک) بود. بازار مشترک اروپا، در همین سال وحدت کامل خود را اعلام کرد و به صورت اروپای متحد درآمد، وزاری اقتصادی کشورهای عضو آن نیز بلافاصله کوششهایی را برای فعال ساختن پیمان همکاری منطقه‌ای - موسوم به افتاد آغاز کردند، و سرانجام اعلام شد کشورهای حوزه کارائیب سعی دارند با همگرایی بیشتر اقتصادی چهارمین بلوک بزرگ تجاری جهان را در این منطقه برپا کنند.

بدین ترتیب همچنانی که از انعقاد پیمان معروف به گات ایجاد شده بود بلافاصله، و با موضوع‌گیری‌های کشورها و ایجاد بلوک‌بندی‌های جدید فروکش کرد. جز این، جنگ تجاری آمریکا با چین و ژاپن نشان داد اجرای سناریویی که به موجب آن یک قدرت فائقه اقتصادی بر تجارت جهانی حاکمیت یابد چندان آسان نیست و این تصور که منافع بازرگانی کشورها زیر نفوذ یک کشور یا یک بلوک واحد فرارگیرد با واقعیت فاصله زیادی دارد.

انتقاد از عملکرد دو سازمان جهانی

در سال ۱۳۷۳ حتی عملکرد آن سازمانهای بین‌المللی که در ظاهر و زیر نام سازمان ملل و دیگر سازمانهای جهانی برای توسعه اقتصادی کشورها برنامه‌ریزی می‌کنند زیر سوال قرار گرفت. از جمله در اواسط همین سال دموویو دوماریا کامپور، مدیرکل سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) اجرای سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را در درازمدت باعث بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی در

کشورهای در حال توسعه دانست و گفت: تجربه کشورهای دریافت‌کننده کمکهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مثل مراکش، مصر و شیلی نشان داده است که اجرای سیاستهای تعدیلی ممکن است در مراحل اولیه موفق باشد اما به تدریج باعث بروز مشکلات اجتماعی می‌گردد و مؤسسات مذکور راه حلی برای آن ندارند.

فروپاشی اقتصادی مکزیک در آخرین ماههای ۱۳۷۳ ثابت کرد این داوری چندان بی‌پایه نیست. پس از همین بحران شدید پولی در مکزیک بود که امیشل کامدسوس، مدیرعامل صندوق بین‌المللی پول اعتراف کرد بحرانهای اقتصادی، بسیاری از کشورها را تهدید می‌کند.

او اعلام کرد که حداقل ده کشور جهان با خطر بحران پولی مشابه مکزیک روبرو هستند و خواستار مراقبت بیشتر و دقیق‌تر از اقتصادهای ضعیفتر جهان شد تا از رشته‌ای از بحرانها که می‌تواند به طور جدی به اقتصاد جهانی لطمه وارد سازد، جلوگیری شود.

امیدهای متزلزل

اقتصاد جهان تا چندی قبل یکی از بی‌سابقه‌ترین دورانه‌های رکود را می‌گذراند. در طول سال میلادی ۹۴ (دی ۷۲ تا دی ۷۳) گروهی از کارشناسان بین‌المللی اقتصاد بروز نشانه‌هایی را که حاکی از خاتمه دوره رکود بود، نوید می‌دادند. آنها مثلاً رشد ۳/۳ درصدی اقتصاد انگلیس در سه ماهه دوم سال، افزایش یک درصدی تولید ناخالص ملی فرانسه در همین مدت و با کاهش تورم در ایتالیا و آروانتین را نشانه‌هایی از شروع بهبود اقتصاد عمومی جهان تلقی می‌کردند، اما واقع امر این بود که این موفقیت‌ها موضعی بود و نمی‌توانست دال بر حرکت اقتصاد جهان به سوی یک دوره جدید از رونق باشد.

در آغاز سال ۱۹۹۵ میلادی (دی ۷۳) تحلیل‌گران واقع بین هنوز به امکان بهبود اقتصاد عمومی جهان با تردید می‌نگریستند.

از میان اظهار نظرهایی که در این زمینه شده است ما تحلیلی را که در شماره ۷ ژانویه (دی ۱۷) مجله اکونومیست ارائه شده است برگزیده و ترجمه آن را ذیل ارائه داده‌ایم تا برای آن گروه از علاقمندان که مایلند با نگرشی در اقتصاد کل جهان، درباره وضع اقتصادی ایران در سال ۱۳۷۴ گمانه‌زنی می‌کنند، مرجعی فراهم آوریم.

باید در نظر داشت تحلیل اکونومیست یک سال میلادی را مد نظر دارد و از زمان آغاز سال ۱۳۷۴ در کشور ما، ۹ ماه آن (یعنی تا دهم دی ماه) با دوره مورد نظر تحلیل‌گر اکونومیست همزمان است.

غلیان در اقتصاد جهان

رفتارهای اقتصاد جهان تا حدی عجیب و گیج‌کننده است. برای فهم بهتر این وضع، می‌توان مثال زیر را زد: فرض کنید شوهری از سرکار به خانه می‌آید و انتظار دارد همسرش شام مختصر و معمولی همیشگی را برایش آماده کرده باشد. اما به ناگهان دوستانش را در خانه می‌یابد که برای او یک مهمانی غیرمترقبه و شادی بخش تدارک دیده‌اند.

انتظار نمی‌رفت که اقتصاد کشورهای ثروتمند جهان چندان بهبودی بیابد. اما کاملاً برعکس، رشد اقتصادی به نحو چشمگیری پرشتاب است. به نظر می‌رسد غلیان دیکه اقتصاد این کشورها آغاز شده است. رشد اقتصادی کشورهای آمریکا، بریتانیا و کانادا در طول سال گذشته میلادی بیش از ۴ درصد بوده است. حتی استرالیا از سایر کشورهای ثروتمند پیشی گرفته و به رشد بالای ۶ درصد نائل شده است. بهبود اقتصادی کشورهای اروپایی نیز شروع شده و به رشد ۲ الی ۳ درصد در سال نزدیک می‌شود. ژاپن نیز علی‌رغم رکود در دناک سال گذشته رشدش را از سر گرفته است. در مجموع، در شش ماهه دوم سال گذشته تولید صنعتی هفت کشور بزرگ صنعتی جهان به ۶ درصد رسید، که در یک دهه گذشته بی‌سابقه است.

خب! تا اینجا همه چیز خوب پیش می‌رود، اما رشد شتاب‌آلود چنین اقتصادهایی ممکن است به سرنوشت مجالس شادخواری کم ظرفیت‌ها دچار شود. چرا که هر لحظه ممکن است یکی از حاضران در مجلس شادخواری لگام بگسلد و نظم محیط را به هم بزند. بنابراین تضمینی وجود ندارد که به ناگهان رشد اقتصادی به تورم افسارگسیخته منجر نشود و بانکهای مرکزی کشورهای صنعتی و مرفه جهان با افزایش نرخ بهره نکوشند اوضاع را به زیر مهمیز درآورند. در گذشته نیز رشد منجر به رکود و تورم سابقه داشته است، و معمولاً تصمیم‌گیرندگان خیلی سریع‌العمل نیستند؛ در نتیجه تا به خود بجنبند تورم زمام امور اقتصادی را از دست آنها خارج می‌کند. اما مگر می‌شود در یک مجلس شادخواری سورا و سات را پنهان کرد و به سورچرانان

امکان بهره‌بردن از آنها را نداد، آن هم فقط به این دلیل که مبادا کسی لگام بگسلد؟ عملاً پاسخ منفی است. به دلیل همین واقعیات اکنون مباحث بین اقتصاددانان در گرفته است.

یک بحث این است که در مقطع فعلی بانکهای مرکزی کشورهای صنعتی نباید خیلی سریع نرخ بهره را بالا ببرند، زیرا هنوز تورم مخرب از راه نرسیده است. کسانی که از روند رشد اقتصادی کشورهای صنعتی سرخوشند می‌گویند که نگاه کنید، آمریکا، کانادا و استرالیا در بهار امسال وارد پنجاهمین سال بهبودی اقتصادی می‌شوند و بریتانیا چهارمین سال خروج از رکود را پشت سر گذاشته است. اما با اینحال نرخ تورم در هیچ یک از این کشورها از ۲/۵ درصد بیشتر نشده است، حتی نظریه‌هایی مطرح است که توجه می‌کند چرا این بار تورم لگام گسیخته و رکود باز نمی‌گردند.

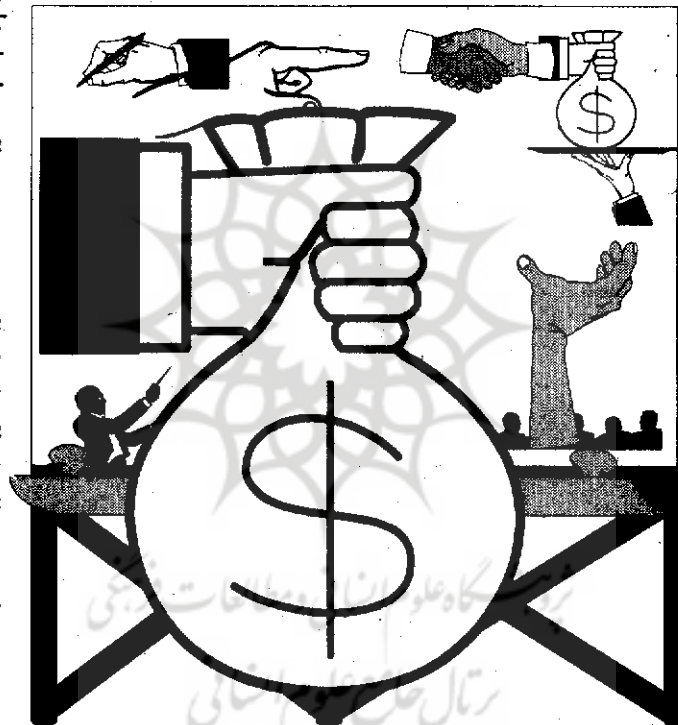
توقف افزایش قیمت‌ها

بعضی از اقتصاددانان مدعی اند که کشورهای ثروتمند وارد عصر بی‌تورمی (Inflation-free) شده‌اند و نیروهای اقتصادی قدرتمند جدید افسار قیمت‌ها را در دست خواهند داشت. به نظر این اقتصاددانان دیگر از نوسانات ادواری رونق-رکود جهان سرمایه‌داری خبری نخواهد شد. گفته می‌شود که فن‌سالاری (Technology) نوین بهره‌وری را افزایش می‌دهد، سرمایه‌گذاری بی‌انگام به نیروی کارگر را ترویج نمی‌کند و دستمزدها را پائین نگاه خواهد داشت. همچنین به دلیل رشد فن‌سالاری نوین رقابت بین شرکت‌های خصوصی به اوج می‌رسد و در نتیجه افزایش قیمت کالاها می‌مکن می‌گردد.

نظریات و توصیفات فوق‌الذکر چقدر آرام‌بخش است! اما در واقعیت مرگ تورم شایعه‌ای پیش نیست. کاملاً هادی است که نرخ تورم در رویارویی با رشد سریع در این مرحله از اقتصاد سقوط کند و یا پائین بیاید. تورم مادی پائین خواهد ماند که ظرفیت خالی وجود داشته باشد. اما هنگامی که ظرفیت‌ها پر شدند تورم شروع به رشد خواهد کرد. البته این امکان وجود دارد که بر اثر بعضی تغییرات در ساختار اقتصاد جهانی، بهره‌وری افزایش یابد و نرخ رشد همگام با نرخ پائین تورم ادامه یابد. اگر این تغییرات واقعیت یابند اقتصاد با نرخ رشد سریع، مدتی طولانی‌تر ادامه خواهد یافت. اما این بدان معنا نیست که تورم را یکبار برای همیشه گردن

زده‌اند و دیگر امکان جان گرفتن ندارد.

اکثر دولتها و بانکهای مرکزی بر این نکته نیک و قوف دارند. اما نمی‌توانند صبر کنند تا تورم دست به تخریب و لگام گسیختگی بزند و آنگاه وارد عمل شوند. خط مشی پولی فوراً بر سرعت رشد اقتصادی تأثیر نمی‌گذارد. دست کم حدود هیجده ماه طول می‌کشد تا افزایش نرخ بهره بر نرخ تورم اثر کند. بنابراین هدف خط مشی اقتصادی باید تأثیر بر نرخ تورم در آینده باشد نه نرخ تورم در زمان حال. وگرنه در سال ۱۹۹۶ افسار گسیختگی تورم آغاز می‌گردد. هرچقدر نرخ بهره زودتر افزایش یابد، فرصت بهتری برای کاهش شتاب تورم و حفظ لگام آن، تا قبل از پایان ظرفیت‌های خالی اقتصادی، وجود خواهد داشت. تصمیم‌گیرندگان کشورهای صنعتی با عمل به موقع خود می‌توانند امیدوار



باشند که افزایش کلی و عمومی در نرخ بهره را مهار کنند.

اوج‌گیری تورم در آمریکا

هنگامی که فدرال رزرو آمریکا در ماه فوریه سال ۱۹۹۴ شروع به افزایش نرخ بهره کرد بسیاری از منتقدان آن را به خاطر نابه هنگام عمل کردن و در نتیجه به خطر انداختن روند بهبود اقتصادی مورد حمله قرار دادند. حال که به پشت سر نگاه می‌کنیم در می‌یابیم که تصمیم فدرال رزرو آمریکا رشد تورم را اندکی به تأخیر انداخته است. با هر معیاری که بسنجیم، ظرفیت‌های خالی اقتصاد آمریکا تقریباً پر شده است و با نرخ بیکاری ۵/۶ درصد

در ماه نوامبر سال گذشته اکنون به حدی نزدیک است که تورم بطور سنتی شروع به اوج‌گیری می‌گذارد.

هر چند فدرال رزرو نرخ سرمایه‌گذاری‌اش را از ۳ درصد به ۵/۵ درصد افزایش داد اما نتوانست نرخ رشد ناپایدار را بهبود ببخشد. این روزها بر همگان آشکار شده است که خط مشی پولی در ۱۹۹۳ بیش از حد متعارف غیر محتاطانه بوده است و به علت تأثیر تأخیری آن رشد اقتصادی در سال ۱۹۹۴ را نیز ادامه داده است. در واقع، با هر معیاری که بسنجیم خط مشی پولی آمریکا در این مرحله از چرخه اقتصادی نسبتاً بدون کنترل رها شده است. به احتمال زیاد رشد اقتصادی در ۱۹۹۵ کند خواهد بود اما نه به این حد که از رشد تورم جلوگیری کند. با توجه به تقاضای شدید جهانی و رشد سریع قیمت‌های کالاها در مراکز تجاری بین‌المللی، بعضی از اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند که نرخ تورم آمریکا تا پایان سال ۱۹۹۵ به چهار درصد خواهد رسید.

برعکس آمریکا، در بریتانیا با آنکه بخش عظیمی از ظرفیت‌های اقتصادی هنوز خالی مانده‌اند، افزایش نرخ‌های بهره خیلی زودرس تر بوده است. در هفتم دسامبر ۱۹۹۴ بانک مرکزی انگلستان برای دومین بار در سه ماهه چهارم ۱۹۹۴ نرخ بهره کوتاه مدت را تا ۶/۲۵ درصد افزایش داد. هرچند حزب مخالف (حزب کارگر انگلیس) این افزایش بهره را «ضربه مهلکی به اقتصاد» خواند، اما تصمیم دولت جان میجر درست بود. این آخرین افزایش نرخ بهره نخواهد بود، اما به دولت انگلیس فرصت بهتری خواهد داد تا قوی‌تر از دولت آمریکا روی موج کوتاه تورم سوار شود و بدین ترتیب رکود آنی را به تأخیر بیاورد و آن را به زیر مهمیز درآورد.

سایر کشورهای اروپایی به همراه ژاپن در اقتصاد خود ظرفیت‌ها و کساد فراروان دارند؛ اما حتی آنها هم پس از تثبیت روند رشد چندان میلی به افزایش نرخ بهره نخواهند داشت. زیرا که به نظر آنها اقتصاد رو به رشد مستحکم دیگر نیاز به پول ارزان به عنوان محرک نخواهد داشت. این همان اشتباهی است که آمریکا هم مرتکب شد، بنابراین اگر اقتصاد آلمان با شتاب فعلی به رشد خود ادامه دهد، حافلاته خواهد بود که بانک مرکزی آلمان (بوندس بانک) در سال ۱۹۹۵ به آرامی نرخ بهره را افزایش دهد. اما آیا تصمیم‌گیرندگان در بانکهای مرکزی آمریکا و سایر کشورهای صنعتی مرفه حافلاته رفتار خواهند کرد؟ اگر آنها تصمیمات به موقع و معقول اتخاذ نکنند رشد فعلی، بد فرجام خواهد بود.